



تحریمی که صورت گرفت باعث شد که یک مطالبه‌ای در سازمان غذا و دارو نسبت به تولید داخل شکل بگیرد از طرفی قیمت‌های اینها خوب بود فناوریها گفتند برویم در این حوزه کسب ثروت خوبی می‌کنیم فناوری هم بلد بودند جسارت هم کردند که وارد این حوزه بشوند

دولتی و هزینه‌ها در دولت و این تجربه پژوهشگاه نفتش را اینکه آنجا چیزی در نمی‌آمد تجربه من در پاستور که هیچی تویش در نیامد. اینها باعث شد که هم من و هم ایشان بشدت علیه اینکه بخواهد دوباره اقتصاد دولتی بشود موضع داشته باشیم نه خصولتی‌ها را راه دادیم و نه دولتی‌ها را رفتیم به سمت خصوصی و تصویری نبود که می‌گیرد؛ اما گرفت؛ یعنی یک شتاب دهنده ما به اندازه یک انستیتو در ۲ سال کار کرد و اشتغال درست کرد و تولید درست کرد. این تجربه انتقال از دولتی به خصوصی آن هم در یک فناوری پیچیده به هر حال جسارت و حمایت می‌خواست این تفکر معاونت علمی این بود که گذاشت خودش بزرگ بشود خیلی‌ها اگر جای این معاونت بودند می‌رفتند شعب استانی می‌زدند در هر استانی یکی درست می‌کردند و تمام پولشان را می‌بردند خرج حقوق و مزایای می‌کردند ولی شما یک ساختمان می‌بینید در کشور.

کجا چنین اتفاقی افتاده است؟ که یک معاونتی با این اثرگذاری یک ساختمان با ۱۵۰ تا پرسنل داشته باشد؟ این در حد تراز کشورهای پیشرفته است که با این بدنه کوچک دولتی یک اثر این چنینی در کشور می‌گذارند و اقتصادها را درست می‌کنند این خودش شد یک مدل که خوب مانمی‌توانستیم وزارت صنایع مان راهم همینجوری مدیریت کنیم لازم بود که دفتر و دستک بزنیم شما می‌بینید چقدر شرکت دانش بنیان ارزیابی می‌شود ولی هیچ چیزی از آن دولتی‌ها نمی‌بینید، همه اش خصوصی. پول جابه‌جایی می‌شود ولی هیچ چکی را معاون علمی جابه‌جایی نمی‌کند. همه اش رفته است در صندوق‌ها، دارمدیریت می‌شود اصلاً اگر روزی ستاد زیست را تعطیل کنند صندوق زیست مطالباتش سرچایش است این مدل پایدار است این چیزی است که من وقتی در سوریه بودم از من سؤال کردند قبل از جنگ سوریه من رفتم دستاوردهای ایران را سال ۹۹ گفتم.

گفتند اصلاً مکاری به دستاوردها نداریم به ما بگو چطوری در تحریم توانستید به اینجا برسید. راه به ما بگویید؛ و از ترکیه آمدند وزیر صنعتش گفت من یک تیم می‌فرستم ببینیم این زیست فناوری شما چه کار کرده است؟ ما آن را می‌خواهیم. ببینید کشورها دنبال مدل هستند چه کار کردند اینها با یک جمعیت کم اینطوری توانستند این مدل‌ها برای رهبران کشورها ارزشمند است؛ یعنی مثلاً وقتی دکتر ستاری در یک کشوری می‌گفت ما ۱۵۰ نفر هستیم. خیلی برای هیأت حاکمه آن کشور جذاب است ۱۵۰ نفر این همه دستاورد؟ چطوری پس مدیریت کردید؟ خصوصی‌ها را؟

بعد به خصوصی‌ها ما وام دادیم ما پول پخش نکردیم. ببینید خود ثبت این مدل یک محقق توانمند می‌خواهد یک مستند ساز قوی می‌خواهد که بلد باشد چطوری این مدل را برود عین یک جاسوس گوشه گوشه‌اش را پیدا کند و بعد به تصویر بکشد این بیننده در دنیا یاد خواهد داشت؛ و ما عاجز هستیم از اینکه

اینها را در بیان بتوانیم ۱-۲-۳-۴ بکنیم هر چند ۱-۲-۳-۴ کردیم ولی به تصویر کشیدنش کارمانیست به هر حال باید رفت در تفکرات از چهارچوب‌ها شروع کرد چه تفکری باعث شد که تو نخواهی گسترش پیدا کنی باید از آن تفکر شروع کنیم و بعد بیاییم سراغ شیوه‌ها. چطوری مدیریت کردی که همه-اش خصوصیا رشد کنند و هیچ کس هم پول پخش نکرد بقیه جاها پول پخش کردند یعنی مثلاً وزارت صنعت آمد یک سازمان گسترش و نوسازی درست کرد بعد آمد یک صنایع فلان درست کرد همه این کارها را معاونت آنجا کردند و خودشان هم گفتند در یک صنعتی ۱۰۰ میلیون دلار ما نیست شد رفت. ولی اصلاً کل بودجه معاونت ۱۰۰ میلیون دلار نبوده است. این تجربه بزرگ‌تر از زیست است این ارزشمندتر است همین بود که یک وقتی وزارت علوم زور زد که شرکت‌ها را ببرد در وزارت علوم و مقام معظم رهبری جلویش را گرفت.

گفت باید در معاونت علمی باشد دست هم بهش نزنید. خیلی است رهبر یک کشور ورود کند در کار اجرایی نگذار این جابه‌جا بشود خب این نشان می‌دهد که این تجربه دستاورد بزرگی بود می‌بیند پایش می‌کند عمری در حاکمیت بودند دیدند خرج‌های دولتی چطوری است بریزو پاش‌ها چطوری است.

«**خیلی متشکر از وقتی که گذاشتید امیدوارم این تجربیات بتواند چراغ راهی بشود برای جوان‌هایی که می‌خواهند آینده مسیر را طی بکنند و آرزوی موفقیت و توفیق دارم برای شما.**»

